

چهره فرهنگ و خُلیات ایرانی در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان

نقیسه ربیسی مبارکه^۱

چکیده

یادگیری مهارت‌های زبانی، بدون شناخت درست از فرهنگ، ناپایدار و نارساست. این پژوهش بر اهمیت تدریس فرهنگ در زبان‌آموزی و چالش‌های انتقال نادرست آن در کتب آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان تأکید دارد و پس از مرور جایگاه آموزش زبان فارسی در انگلستان و آمریکا، کتاب‌های آموزش زبان فارسی این دو کشور را از دیدگاه پرداختن آنها به فرهنگ ایرانی، تقسیم و تحلیل می‌کند. مقاله با معرفی خُلیات ناپسندی که در این کتاب‌ها به ایرانیان نسبت داده شده، ادامه می‌یابد. نسبت دادن چنین خُلیاتی به هر ملتی، به دور از چهارچوب منطقی زبان‌آموزی، درک متقابل و احترام به جامعه اهل آن زبان است. در پایان مقاله، راهکارهایی برای انتقال صحیح فرهنگ و پرهیز از فرهنگ‌ستیزی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ؛ فرهنگ‌ستیزی؛ خُلیات ایرانی؛ کتاب‌های آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول). raisi@yazd.ac.ir

■ تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۱

■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۲

مقدمه

امروزه هر ملتی به داشتن دوستان و علاقه‌مندان خوب و کارآمد نیازمند است و همه به حکم تجربه دریافته‌اند که ایجاد پیوندهای معنوی با ملت‌های دیگر، مطمئن‌ترین و بهترین راه دوست‌یابی در جهان امروز است. حرمت، برتری و شخصیت و همدلی و همفکری با جامعه جهانی، ثمره این دوستی‌هاست. این امر واقعیتهای مسلم است که آشنایی با زبان و فرهنگ هر ملتی، سبب دوستی و تعلق خاطر شخص نسبت به افراد آن ملت است.

زبان فارسی یکی از بنیان‌های معرفی و شناخت هویت هر ایرانی است. از این‌رو آموزش اصولی، نظام‌مند و دقیق آن، بویژه برای غیرفارسی‌زبانان در شناخت فرهنگ ایرانی بسیار کارساز و نقش‌آفرین است. هر زبان‌آموز خارجی با هدف اقتصادی، سیاسی، پژوهشی و جهانگردی ممکن است زبان فارسی را بیاموزد و این یادگیری، اولین گام آشنایی‌اش با ایران و فرهنگ ایرانی است. در این مقاله کوشیده‌ایم تا نمونه‌هایی از فرهنگ‌ستیزی و انتقال نادرست فرهنگ ایرانی را در کتاب‌های آموزش زبان فارسی که توسط انگلیسی‌زبانان نگاشته شده است، طبقه‌بندی و نقد کنیم.

ضرورت پژوهش

لازمه به‌کارگیری زبان در گفت‌وگوهای مناسب و ایجاد یک ارتباط فرهنگی درست، آشنایی با پیام‌ها و فرایم‌های فرهنگی است. هر زبانی دستور فرهنگی ویژه‌ای دارد که شایستگی انتقال به سایر فرهنگ‌ها و تأثیر بر آنها را امکان‌پذیر می‌کند. هدف آموزش زبان با قابلیت ارتباطی آن، آموزش مهارت‌های ارتباطی است و آموزش فرهنگ، از عمده‌ترین بخش‌های این آموزش مهارتی است. آموزش فرهنگ در دل آموزش زبان خارجی، از دو سو مهم است: اول آن که آگاهی زبان‌آموزان را به تفاوت‌های فرهنگی تعالی می‌بخشد و به آنان یاری می‌رساند تا رفتارهای کلامی و غیرکلامی جامعه‌ای که زبان آن را می‌آموزند، به درستی درک و تفسیر کنند و از سوی دیگر آموزش فرهنگ به آموزش زبان یاری می‌رساند.

می‌دانیم که یادگیری هر بخش از مهارت‌های زبانی، خارج از بافت زبان، تبدیل به آموزشی

انتزاعی می‌گردد و مهارت‌های زبان‌آموزی را تقویت نمی‌کند و حتی می‌تواند به فرآیند ارتباط آسیب رساند. به هر روی «شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی و گنجاندن صحیح آن در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به فارسی‌زبانان و غیرفارسی‌زبانان، یکی از راه‌های انتقال و گسترش فرهنگ و هویت ایرانی است که می‌تواند در درازمدت منجر به هویت‌سازی و بازسازی هویت فارسی‌زبانان و حفظ و گسترش فرهنگ ایرانی در میان غیر فارسی‌زبانان گردد.» (داوری اردکانی و محمودی و نواب، ۱۳۹۲: ۱۴۴). اگر این روند به درستی انجام نگیرد، زبان‌آموز را از مسیر درست یادگیری منحرف می‌کند. بنابراین موجب شیفتگی بیش از اندازه یا سرخوردگی وی می‌شود. بنابراین پرداختن به کتاب‌های آموزش زبان فارسی از دیدگاه فرهنگ ایرانی و بازنمایی خلیات ایرانی، اهمیت به‌سزایی دارد و پژوهشگران حوزه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان را در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پژوهشی هدفمند خود یاری می‌رساند.

پیشینه پژوهش

پرداختن به فرهنگ در آموزش زبان‌های خارجی، موضوع جدیدی نیست و می‌توان گفت پیشینه‌ای به دیرینگی آموزش زبان‌های خارجی دارد. با این حال، روش‌ها و اهمیت آموزش فرهنگی در دوره‌های گوناگون، نمودهای متفاوتی داشته‌است. در دوره‌های آغازین که شیوه‌های سنتی آموزش زبان‌های خارجی حاکم بود، هدف اصلی آموزش زبان، آشنایی با ادبیات زبان مورد نظر به‌شمار می‌رفت؛ در نتیجه، آموزش فرهنگی نیز در این بازه زمانی به ادبیات و هنر محدود می‌شد. کم‌کم آشنایی با رفتارهای اجتماعی و شیوه زندگی مردم، یادگیری زبان خارجی در آموزش‌های فرهنگی نقش پررنگ‌تری یافت.

«در اواخر دهه شصت، همراه با پیشرفت جامعه‌شناسی زبان و روش شنیداری - زبانی و با مطرح شدن بحث توانش ارتباطی، جنبه فرهنگی آموزش زبان برجسته‌تر شد و دهه هشتاد دوره‌ای بود که تدریس فرهنگ به‌عنوان یک رشته مستقل علمی مطرح شد و نظام آموزشی زبان که از اساس بر پایه زبان‌شناسی بود، تا حدودی تغییر کرد و محققان بر پیوند تنگاتنگ میان زبان و فرهنگ در زمینه تدریس تأکید داشتند.» (تاج‌آبادی و آفاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۹)

درباره آموزش فرهنگ ایرانی در بستر آموزش زبان فارسی به خارجی‌ان می‌توان در آغاز به مقاله

میردهقان و طاهرلو (۱۳۹۰) با عنوان «تأثیر فرهنگ ایرانی در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان» اشاره کرد. نویسندگان در این مقاله ابتدا پرسش‌نامه‌ای همراه با کنترل روایی و صوری و محتوایی تهیه کرده‌اند و در یک جامعه آماری ۵۰ نفری از فارسی‌زبانان در سنین و سطوح تحصیلی متفاوت توزیع کرده‌اند و بر اساس آن، جاذبه‌های فرهنگ ایرانی را برای آموزش فرهنگ در سه بخش: جاذبه‌های فرهنگی ایران، تاثیر محیط یادگیری و جاذبه‌های فرهنگی در آموزش فارسی و تأثیر برگزاری کلاس در محیط‌های متفاوت و برگزاری کلاس‌های فرهنگی بررسی کرده‌اند. براساس نتایج تحلیلی پرسشنامه‌ها نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که تمدن کهن ایرانی برای زبان‌آموزان خارجی بیشترین جذابیت را دارد و ادبیات فارسی تا آن میزان که در کتاب‌های آموزشی مورد توجه است، جذابیت لازم را برای غیرفارسی‌زبانان ندارد. برگزاری کلاس‌ها در محیط‌ها و بافت‌های گوناگون و واقعی می‌تواند تأثیر بسیاری در یادگیری زبان داشته باشد. ایجاد پیش‌زمینه فرهنگی، نقشی برجسته در یادگیری زبان دارد و نگرش‌های مثبت و منفی به زبان را موجب می‌شود.

سیاوشی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «اهمیت و چگونگی آموزش نکات فرهنگی در کلاس آموزش زبان فارسی» پس از بررسی فرهنگ و آموزش آن در یاددهی زبان دوم و خارجی، چالش‌های آموزش فرهنگ را برشمرده و در ادامه، اهمیت آموزش نکات فرهنگی فارسی، نقش زبان‌آموز و مهارت‌های وی را در این موضوع تحلیل کرده است.

داوری اردکانی و محمودی و نواب (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «آموزش زبان فارسی فرصتی مغتنم برای گسترش فرهنگ ایرانی» بر ضرورت توجه به گسترش فرهنگ و هویت ایرانی از طریق آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان تأکید کرده‌اند و در این راستا با تمرکز بر نقش کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در انتقال فرهنگ و هویت ایرانی، به بررسی چند نمونه از کتاب‌های مؤلفان داخل کشور پرداخته‌اند.

هیچیک از پژوهش‌های نام‌برده، به آسیب‌شناسی و ارزش‌گذاری مؤلفان خارجی بر فرهنگ و هویت ایرانی نپرداخته است. این مقاله بر آن است تا این امر را در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان مد نظر قرار دهد.

تعریف فرهنگ و رابطه آن با آموزش زبان

بهتر است ابتدا تعریفی از فرهنگ، به آن صورتی که با محتوای مقاله همسو باشد، ارائه شود: «فرهنگ عبارت است از اسلوب‌های کلی رفتاری، گفتاری، فکری و احساسی جماعتی از مردم در محدوده جغرافیایی خاص که در شیوه سخن گفتن، اندیشیدن، هنرها، فنون، نوع آرمان‌ها و... وجوه مشترک بنیادی دارند». (کیوانی، ۱۳۷۲: ۱۶)

«فرهنگ شیوه کلی زندگی يك گروه از جامعه می‌باشد. همه افراد دارای فرهنگ هستند و همه فرهنگ‌ها پدید آمده‌اند تا نیازهای بشری را پاسخ‌گو باشند و هیچ کدام بر دیگری ارجحیت ندارد». (رستم‌بیک و رمضانی، ۱۳۹۱: ۱۷)

جوامع و فرهنگ‌ها شکل نمی‌گیرند و منتقل نمی‌شوند، مگر از طریق ارتباط فکری و روحی میان انسان‌ها. در واقع مفهوم فرهنگ بر اساس شناخت‌ها و مهارت‌های کسب شده، تجربیات زندگی و مجموعه اعتقادات یک جامعه و از طریق ابزارهای شناختی یعنی زبان شکل می‌گیرد: «افراد یک جامعه با نوع شناختشان از دنیای پیرامونشان فرهنگی را تولید می‌کنند که آن فرهنگ خود بر روی نوع شناخت آنها تأثیرگذار است. فرهنگ یک جامعه به دو طریق می‌تواند بر روی شناخت در آن جامعه تأثیر بگذارد: یا با اصول و مقررات خود آن را محدود می‌کند و یا برعکس، سبب چرخش شناخت می‌گردد که این به نوبه خود سبب چرخش و تحول فرهنگ‌ها نیز می‌شود». (شعیری و بخشایی، ۱۳۸۹: ۷۶)

فرهنگ هر ملت، بخش بزرگی از زبان و اندیشه مردم آن ملت را شکل می‌دهد و بر محتوا، چگونگی و شیوه استفاده از زبان به عنوان مهم‌ترین و پرکاربردترین ابزار ارتباطی، اثری مستقیم و بسزا دارد. از سوی دیگر، زبان در رشد، پیشرفت و تحول فرهنگ خود تواناست. این درهم‌تنیدگی زبان و فرهنگ، گویای این واقعیت است که در آموزش زبان‌های خارجی نمی‌توان نقش فرهنگ را نادیده گرفت: پس «بدون آشنایی با فرهنگ، الگوهای زبانی برای برقراری ارتباط کافی نخواهد بود». (حاجی رستم‌لو، ۱۳۸۶: ۱۴۵)

بنابراین لازم است فرد از آنچه فرهنگ در اختیار او قرار می‌دهد، بهره گیرد و موقعیت‌های مختلف را برای برقراری ارتباط، روش ارتباط، محتوای ارتباط و تناسب سخن با شرایط ارزیابی

کند. در آموزش زبان مبتنی بر دیدگاه بین‌فرهنگی، فرهنگ زبان‌های مبدأ و مقصد، هر دو از یک وزن برخوردارند؛ ضمن آن‌که برای دستیابی به هدف اصلی در آموزش زبان، یعنی کسب توانایی برقراری ارتباط در بستری بین‌فرهنگی، در قالب آموزش ترکیبی صورت می‌پذیرد. برای انتقال مفاهیم فرهنگی، محتوای آموزشی باید دو حوزه متفاوت را دربرگیرد که به ترتیب شامل:

۱. اطلاعات عمومی، مانند: نام شهرها، تقسیم‌بندی سیاسی و جغرافیایی کشور، سیستم آموزشی و اطلاعات کلی دیگر؛

۲. وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تفکرات، آداب و رسوم و عقاید مذهبی جامعه زبان مقصد.

مورد دوم در واقع زمینه‌ای برای شناخت بهتر فرهنگ بیگانه، رفع سوء تفاهم‌ها و انگیزه‌ای برای تفاهم و تعامل بیشتر و عمیق‌تر بین دو فرهنگ شمرده می‌شود.

اهداف آموزش فرهنگ در کتاب‌های آموزش زبان

«فرهنگ به عنوان مهارت پنجم» (فیروزآبادی و امیری، ۱۳۸۹: ۱۰۶) توانایی آموختن مضامین فرهنگی هنگام یادگیری چهار مهارت خواندن، نوشتن، گفتن و شنیدن را به‌دنبال دارد. البته اگر انتقال اطلاعات فرهنگی در مسیر درست، منطقی و عادلانه‌ای قرار گیرد، این اهداف به‌دست خواهد آمد. می‌توان اهداف یادگیری و توجه به فرهنگ را در ضمن آموزش زبان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. توانایی به رسمیت شناختن، پذیرش، ارزش‌گذاری و درک تفاوت‌های فرهنگی در محیط پیرامون و در نتیجه، حذف موانع حاصل از رویارویی و داشتن رابطه با سایر فرهنگ‌ها (همان)؛

۲. یاری کردن در فهم و درک بهتر مهارت‌های زبانی؛

۳. جلوگیری از پیدایش انواع سوء تفاهم‌ها در برقراری ارتباط با زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان؛

۴. درک آگاهانه از مضامین فرهنگی بیگانه در ضمن حفظ فرهنگ و هویت خود؛

۵. کمک به واژه‌آموزی، افزایش دایره واژگان زبان‌آموزان و توانایی گزینش بهتر از میان آن‌ها

در برقراری ارتباط؛

۶. کمک به زبان‌آموزان در درک بهتر از فرهنگ خود؛

۷. آموختن مهارت احترام به عقاید و باورهای فرهنگی ملل گوناگون؛

۸. احساس همدلی و همفکری بیشتر با افرادی از فرهنگ‌های دیگر؛

۹. بالابردن قدرت تحمل و درک تفاوت‌ها بدون برتر دانستن فرهنگی نسبت به اقوام و

ملیت‌های دیگر؛

۱۰. درهم شکستن کلیشه‌های فرهنگی.

به هر روی آموزش فرهنگ در ضمن آموزش زبان خارجی روند خاصی را طی می‌کند:

«بر اساس فرضیه پُنت، حساسیت بینا فرهنگی به صورت تدریجی کسب می‌شود؛ به این ترتیب که در آن، یک فرد از مرحله انکار به حالت تدافعی، سپس بی‌اهمیت جلوه دادن تفاوت‌های فرهنگی (نژادپرستانه یا قوم‌مدارانه) به پذیرش، سازگاری و سپس ادغام و یکپارچه شدن با فرهنگ می‌رسد». (رستم‌بیک و رمضان، ۱۳۹۱: ۲۲)

نکته چالش‌برانگیز در مورد آموزش یک فرهنگ جدید این است که انسان‌ها همواره در مورد فرهنگ، رفتار ارزش‌گذارانه دارند و در برخورد با یک نکته فرهنگی، بی‌درنگ دست به قضاوت ارزشی می‌زنند. حتی خود معلم یا مؤلف آموزش زبان هم ناگزیر به بعضی عناصر فرهنگی در مقایسه با عناصر دیگر احساس دل‌بستگی بیشتری دارد، یا برعکس، ممکن است بعضی عناصر را دوست نداشته باشد. این امر نشان می‌دهد که آموزش نکات فرهنگی، ظرافت‌هایی خاص دارد که برای فراهم ساختن بستر مناسب باید به آنها توجه کرد. در غیر این صورت، زبان‌آموز به علت پردازش نادرست مطالب درسی ممکن است در یکی از مراحل گفته‌شده بماند و به مرحله شناسایی مرزهای فرهنگی مبدأ و مقصد نرسد. در این مقاله سعی بر این است که درستی‌ها و نادرستی‌های آموزش فرهنگ ایرانی در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان شناخته شود و تبیین گردد که آیا مؤلفان کتاب‌های آموزشی، با بزرگ‌نمایی ویژگی‌های فرهنگی، ذهن زبان‌آموزان را به سویی خاص هدایت کرده‌اند؟

پیشینه آموزش زبان فارسی در میان انگلیسی‌زبانان

سلطه انگلیس بر هندوستان سرآغاز آشنایی گسترده انگلیسی‌ها با زبان فارسی است؛ زیرا زبان رسمی هندوستان در آن زمان فارسی بود. تاریخ آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های انگلستان به

سال‌های پایانی قرن دهم هجری یا شانزدهم میلادی می‌رسد. در فاصله سال‌های ۱۰۴۱ تا ۱۰۷۱ هجری کرسی زبان عربی و فارسی در دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج تأسیس شد. (بروکشاو، ۱۳۸۱: ۳۵)

اولین کتابی که با هدف آموزش زبان فارسی برای انگلیسی‌زبانان به چاپ رسید، کتاب «ظرایف زبان فارسی»^۱ نام داشت که در سال ۱۶۴۶ میلادی توسط «لویئوس وارنر»^۲ در انگلستان چاپ و منتشر شد. (طالقانی، ۱۳۷۸: ۶۰۲).

البته کتاب «منشی فارسی»^۳ اثر «فرانسیس گلاوین» که در سال ۱۸۰۱ در لندن چاپ شد، از این لحاظ که اولین کتاب حاوی آموزش مکالمه فارسی و به تبع آن، اشاره ضمنی به آداب و رسوم ایرانی و اخلاقیات ایرانیان است، مهم می‌باشد و گویا این کتاب سرمشق کتاب‌های دیگر قرار گرفته‌است و حکایات کوتاه و طنزآمیز آن که از کتب ادبی مانند: «لطایف الطوایف» فخرالدین علی صفی، «رساله دلگشا» ی عبید زاکانی و «بهارستان» جامی نقل شده، در کتاب‌های دیگر، حتی کتاب‌های نوشته شده در قرن بیستم تکرار گردیده است. پس می‌توان آن را اولین کتاب آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان دانست که بارقه‌هایی از فرهنگ ایرانی در آن نمایان است و به دیگر کتاب‌ها انتقال می‌یابد.

امروز در پنج دانشگاه انگلستان به نام‌های آکسفورد، کمبریج، لندن، منچستر و ادینبورگ زبان فارسی به صورت درس اصلی یا فرعی تدریس می‌شود.

«در ایالات متحده آمریکا مطالعات مربوط به ایران‌شناسی و به تبع آن زبان فارسی پیش از جنگ جهانی دوم به چند دانشگاه منحصر بود، و مطالعات جدی و تدریس زبان فارسی از سال ۱۹۸۵ میلادی در این کشور پهناور آغاز گردید». (چکلوفسکی، ۱۳۸۱: ۲۹).

با وجود سردی روابط ایران و آمریکا کار تدریس زبان فارسی یا سرپرستی امور مربوط به آموزش آن در گروه‌های مطالعات خاور نزدیک دانشگاه‌های بزرگ آمریکا بر عهده پژوهشگران رشته‌های ادبی یا فرهنگی است. (تلف، ۱۳۸۲: ۶۵).

تقسیم‌بندی کتاب‌های آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان از نظر پرداختن به فرهنگ زبان خارجی یا زبان دوم به هر صورتی که آموزش داده شود، از بار فرهنگی اهل زبان خالی

نیست؛ هرچند که ممکن است در فرایند آموزش، دست‌کم اطلاعات به صورت ناخودآگاه به زبان‌آموز انتقال داده شود. البته این امر نیز در به‌هم‌تیدگی خاص فرهنگ و زبان ریشه دارد. به هر صورت می‌توان کتاب‌های آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان را از لحاظ آموزش فرهنگ به چهار گروه تقسیم کرد:

۱. بعضی از کتاب‌هایی که زبان فارسی را به روش سنتی آموزش می‌دادند، آوردن بخش‌هایی از متون ادبی، (چه نظم و چه نثر) را در کتاب خود، راهی برای آشنایی با فرهنگ ایران زمین می‌دانستند. این کتاب‌ها اصولاً بر روش دستور - ترجمه استوار بودند و تدریس مکالمه در آن‌ها یا نادیده گرفته شده بود یا بسیار اندک مورد توجه قرار می‌گرفت. کتاب «شکرستان فارسی» نوشته ویلیام جونز (۱۷۷۱) و «دستور زبان» خانم «آن کاترین لمبتون» (۱۹۵۳) از این گروه هستند.

۲. برخی از کتاب‌ها تنها به معرفی رفتارهای اجتماعی مردم ایران در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی مانند: صرف غذا و رسوم مربوط به آن، مراسم دید و بازدید، ازدواج، تولد و عزاداری می‌پردازند؛ اماکن تاریخی و سنتی ایران را معرفی می‌کنند و از شاعران و نویسندگان برجسته پارسی‌گوی سخن می‌گویند؛ حال آن‌که دانستن چنین اطلاعاتی اگرچه مفید است، اما در ارتباط مستقیم با اهل زبان، به‌تنهایی کارساز نیست و تمام جزئیات ارتباطات اجتماعی را پوشش نمی‌دهد. بیشتر نکات و اطلاعات فرهنگی در این‌گونه کتاب‌ها در قالب مکالمه ارائه می‌شود. کتاب‌های Colloquial Persian از الول ساتن (۱۹۴۱) و Colloquial Persian از عبدی رفیعی (۲۰۰۱) از این گونه هستند.

۳. برخی از کتاب‌ها به صورت پیشرفته‌تری به فرهنگ ایرانی پرداخته‌اند و شامل رفتارهای معنادار اشخاص با یکدیگر هستند. ناآگاهی از این رفتارهای اجتماعی می‌تواند سبب سوء تفاهم گردد. این رفتارها کاملاً در جامعه دیده می‌شود؛ از این رو «رفتارهای پیدا» نام دارند (ضیاء حسینی، ۱۳۸۵: ۱۸۸). رفتار با والدین، گفت‌وگو با زنان و مردان غریبه و رعایت احترام، نمونه‌هایی از رفتارهای پیدا شمرده می‌شوند. کتاب‌های «فارسی شیرین است» از پونه شعبانی جدیدی و دومینیک پرویز بروکشاو (۲۰۱۰) و Beginner's Persian از A. M Miandji (1994) نمونه‌هایی از این گونه کتاب‌ها هستند.

۴. پیشرفته‌ترین نوع آموزش فرهنگ در کتاب‌هایی است که نکته‌های پنهان آداب و رسوم زندگی ایرانی را معرفی می‌کند که شامل ارزش‌های اجتماعی، اعتقادات و نقاط ضعف فرهنگی آن‌هاست. در این نوع کتاب‌ها بخش‌هایی وجود دارد که جدای از چهار مهارت اصلی به زبان فارسی یا انگلیسی، این‌گونه نکات فرهنگی را آموزش می‌دهند و در مکالمه‌های همان درس به صورتی نامحسوس آن‌ها را ارائه می‌نمایند. بخش‌های خواندن این کتاب‌ها، بخش‌هایی از مطالب روزنامه‌ها یا رمان‌های معاصر است که برای نشان دادن زوایای ناپیدای فرهنگ ایرانی مفید است. کتاب‌های Persian For Foreigners in Iran introductory course از دونالد وست و آلتوش سارویان (۱۹۷۶) و Social and Cultural Selections from Contemporary Persian و ویلیام میلوارد و میشل مازویی (۱۹۷۳) نمونه‌هایی از کتاب‌های این گروه هستند.

خلفیات ناپسند ایرانی در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان

به هر روی برای غربیان انگلیسی‌زبان، آموختن یکی دیگر از زبان‌های غربی بسیار ساده‌تر از یادگیری یکی از زبان‌های مشرق‌زمین است؛ زیرا اختلاف فرهنگی جوامع غربی با هم کمتر و سطحی‌تر از اختلاف فرهنگی آن‌ها با مردم سرزمین‌های شرقی است و از آن‌جا که عوامل فرهنگی، جدا از زبان و فهم آن نیست، غربیان باید برای یادگیری زبان‌های شرقی بسیار بکوشند. در این مقاله با بررسی کتاب‌هایی که برای آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان نگاشته شده بود، کتاب‌هایی که مباحث فرهنگی در آنها آمده بود و تصویری از ایران و ایرانی دربر داشت، جدا و به‌دقت بررسی شده است. شرح کتاب‌شناختی این کتاب‌ها در جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول شماره (۱): فهرست کتاب‌شناسی کتاب‌های آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان

ردیف	نام کتاب	نویسنده	سال نشر	محل نشر
۱	A Grammar of the Persian Language	ویلیام جونز	۱۷۷۱	لندن
۲	The Persian Moonshee	فرانسیس گلاوین	۱۸۰۱	لندن
۳	A Grammar of the three Principal Oriental Hindoostanee, Languages Persian, Arabic	میرزا محمد صالح شیرازی	۱۸۲۳	لندن

ردیف	نام کتاب	نویسنده	سال نشر	محل نشر
۴	A Grammar of the Persian Language	میرزا محمد ابراهیم	۱۸۴۱	لندن
۵	A Concise Grammar of the Persian language containing dialogues, reading lessons and a vocabulary	ای. اچ. بلیک	۱۸۵۷	لندن
۶	Modern Persian Colloquial Grammar	اف. روزن	۱۸۹۸	لندن
۷	Colloquial Persian	الول ساتن	۱۹۴۱	لندن
۸	Persian Grammar	آن کاترین لمبتون	۱۹۵۳	کمبریج
۹	Modern Persian Conversation Grammar	کلیر تیسداال	۱۹۵۹	نیویورک
۱۰	Social and Cultural Selections From Contemporary Persian	میشل مازویی، ویلیام میلوارد	۱۹۷۳	نیویورک
۱۱	Persian for Foreigners in Iran introductory course	دونالد وست، آلتوش سارویان	۱۹۷۶	نیویورک
۱۲	Colloquial Persian the Complete Course For Beginners	عبدی رفیعی	۲۰۰۱	لندن
۱۳	The Routledge Introductory Persian Course: Farsi Shirin Ast	پونه شعبانی جدیدی، دومنیک پرویز بروکشاو	۲۰۱۰	لندن

ادب، مهمان‌نوازی، ظرافت طبع، انعطاف‌پذیری، تسامح فکری و عدالت‌جویی تاریخی ایرانی، زبانزد کتاب‌های فرهنگ‌شناخت ایرانی است که در این مقاله، مجال پرداخت به آنها نیست. هدف توصیفی این مقاله، پرداختن به آن دسته از خلیقات ایرانی است که وجهه مطلوبی از یک ایرانی را نشان نمی‌دهد. متأسفانه در متن‌های خواندن، مکالمه‌ها یا متن راهنمای کتاب‌های بالا کارها، صفات یا خصوصیتی ناروا و ناگوار به ایرانیان نسبت داده شده بود که به دور از درک

متقابل و احترام به فرهنگ جامعه اهل آن زبان است. اینک این خصوصیات به صورت طبقه‌بندی شده و با چندین مثال ارائه می‌شود:

دزدی

۱. فرانسیس گلاوین (۱۸۰۱) در فصل دوم کتاب خود با عنوان Pleasant Stories in an easy style ۷۶ حکایت آورده است که در دوسوم آن‌ها شخصیت‌های اصلی داستان دزد هستند و متأسفانه در کتاب‌های آموزشی که پس از این کتاب نوشته شده، این حکایات اقتباس و تکرار شده است.

۲. در بخش مکالمه‌های کتاب روزن آمده است: اربابی از دزدی نوکران ایرانی خود چنین شکایت می‌کند:

«شیخ حسن! نان و پنیر از فضل خدا فراوان است؛ اما نوکر درستکاری یافت نمی‌شود. این همه نوکرهاواجبی که دارند، کفایتشان نمی‌کند. گرانی هم هست. همه می‌خواهند در خرید و فروش هم مداخل زیادی بکنند. از این سبب است که نان و پنیر حاضر نکردند». (روزن، ۱۸۹۸: ۱۱۸) در صفحات ۱۲۸، ۱۹۷ و ۲۰۰ نیز از دزدی ایرانیان انتقاد شده است.

۳. در کتاب «تس‌دال» غیر از سه حکایتی که درباره دزدی ایرانیان است، در اثنای مکالمه‌ای درباره سرقت دزدان ایرانی از چاپار (پست) دولت انگلیس چنین آمده است:

«البته دزدان ایرانی به نهایت باادب و مروت هستند؛ اما شکی ندارم که قبل از آن که شخص را رها کنند، حتی جیب و بغل او را به خوبی می‌کاوند که مبادا در جیب و بغل وی چیزی قیمت‌دار باقی مانده باشد!». (تس‌دال، ۱۹۵۹: ۱۲۶)

۴. حتی در کتاب‌های آموزشی معاصر هم دزدی ایرانیان فراموش نشده است. در درس نهم کتاب رفیعی با نام «موقعیت‌های اضطراری» از سه موقعیت اضطراری یاد شده که دو مورد دزدی و یک مورد تصادف است. اولی مکالمه‌ای است در صفحه ۱۲۰ که در آن، پلیس از مشخصات جیب‌بری که به مسافری انگلیسی حمله کرده است، می‌پرسد و دومی در بخش درک مطلب همان درس چنین آمده است:

«من و خانمم داشتیم تو رستوران غذا می‌خوردیم. حدود ساعت هشت، یک‌دفعه چراغ‌ها

خاموش شد. قبل از اون، دو نفر در میز پهلوی ما غذا می‌خوردند. بعد از حدود پنج دقیقه چراغ‌ها روشن شد؛ اما اون دو نفر رفته بودند. کیف من هم ناپدید شده بود...» (رفیعی، ۲۰۰۱: ۱۲۵)

۵. در مکالمه درس سیزدهم کتاب «فارسی شیرین است» شخصی نزد پلیس می‌آید تا سرقت ضبط‌صوت و لاستیک زاپاس اتومبیل خود را گزارش دهد. در انتها از پلیس می‌پرسد:

«معمولاً چند درصد احتمال دارد که دزد پیدا بشود؟ افسر پلیس پاسخ می‌دهد: چقدر سؤال می‌کنید! مگر فقط ماشین شماست که سرقت شده؟ هر روز صدها سرقت مثل این به ما گزارش می‌شود». (شعبانی جدیدی، بروکشاو، ۲۰۱۰: ۱۴۸)

در این مکالمه، رفتار بد پلیس با فرد نیز قابل تأمل است.

دروغ و اثبات آن به سوگند

دروغ و فراتر از آن، سوگند دروغ، بیش از همه صفات ناپسند دیگر در کتاب‌های آموزش زبان فارسی انگلیسی‌زبانان، به ایرانیان نسبت داده شده است.

۱. در اغلب حکایات کتاب گلدوین (۱۸۰۱) دروغ و دروغ‌گویی مضمون اصلی است.
 ۲. در کتاب روزن، نوکران ایرانی بسیار به اربابان انگلیسی خود دروغ می‌گویند. در مکالمه (در سفره) آشپز چندین بار به ارباب خود برای تهیه غذا دروغ می‌گوید:
- «آشپز: فرمایشی داشتید آقا؟ / آقا: آن خوراکی که گفتمی در آشپزخانه حاضر است، کجاست؟ / آشپز: فرمودید نان و پنیر می‌خواهم بخورم؛ خوراک دیگر پیدا نکردم. / آقا: پس آنچه گفتمی، همه‌اش دروغ بود؟ / آشپز: چه عرض کنم؟ شما می‌فرمایید دروغ است، دروغ باشد؛ ولی بنده حالا ده سال است نوکری فرنگی می‌کنم. تا به حال هیچ‌کس از من خیانتی ندیده است. / آقا: (در حالی که می‌خواهد چند شلاق به آشپز بزند) گویا عرق خوردی و مستی. / آشپز: ببخشید صاحب‌گ... خوردم! دروغ گفتم. دیگر نمی‌کنم». (روزن، ۱۸۹۸: ۱۱۲)
۳. از همین کتاب، یک نمونه قسم دروغ از مکالمه «در سواری» نقل می‌شود که مهتر کم‌کاری و خیانت خود را در پس قسم دروغ پنهان می‌کند:

«آقا: پس چرا اسب این‌قدر کثیف است؟ خیلی هم لاغر است. یقیناً جواش را تمام نمی‌دهی؟ / مهتر: والله به سر شما و جان خانم یک دانه جو خیانت نمی‌کنم. نمک به حرامی

نکرده‌ام. اگر می‌خواهید اسب چاق شود، باید به قصیل ببندید.» (همان: ۱۲۲)

همان‌طور که می‌بینید انصاف نیست که اهل زبانی که آن را آموزش می‌دهند، چنین خوار و افتاده‌حال به تصویر کشیده شوند.

۴. در کتاب میرزا محمد صالح شیرازی (۱۸۲۳) مکالمه‌ای به نام «در حرف زدن آقا با نوکر» وجود دارد که در صفحه ۱۵۷ آن، ارباب انگلیسی طلبی از استاد زرگر دارد. نوکر را می‌فرستد تا از زرگر طلب را بگیرد؛ اما زرگر طلب را حاشا می‌کند. نوکر به دستور ارباب، زرگر را به دادگاه می‌کشد. قاضی از شاکی شاهد می‌خواهد و چون ایشان دو شاهد بیشتر نداشتند، قاضی ادعای‌شان را نمی‌پذیرد و از آن‌ها چهار شاهد می‌خواهد و عاقبت نیز با قسم خوردن زرگر به قرآن، دعوا به سود او پایان می‌یابد. در زیر، نمونه‌هایی از قَسَم دروغ و مرجع آن‌ها ارائه می‌شود:

- دوبار قسم دروغ خوردن فروشنده به سر خریدار، برای فروش اسب، در صفحات ۱۹۹ و ۲۰۳ (میرزا محمد ابراهیم، ۱۸۴۱):

- دروغ‌گویی همیشگی راننده ایرانی و قسم دروغ کارگر برای جلب ترحم کارفرمای انگلیسی، در صفحات ۳۸ و ۹۷ (الول ساتن، ۱۹۴۱):

- دروغ‌گویی هتلدار به جهانگرد انگلیسی برای کرایه دادن اتاق، در صفحه ۹۰ (رفیعی، ۲۰۰۱):
دروغ‌گویی ایرانیان چنان صفت فراگیری برای ایشان شناخته می‌شود که در یکی از کتاب‌ها یک درس با عنوان «دروغ‌های جوان ایرانی، دختر اتریشی را از عمرش سیر کرد» به دروغ‌گویی ایرانیان اختصاص دارد. متن اول درس، گزارشی واقعی و برگرفته از روزنامه کیهان، نوشته انوشیروان کیهانی‌زاده می‌باشد. در این داستان، دختر اتریشی با فریب‌کاری و دروغ یک جوان ایرانی، مجذوب او می‌شود؛ وطن را ترک می‌کند و در ایران متوجه فریب پسر می‌گردد و خودکشی می‌کند. دو داستان دیگر از همین سنخ، یعنی فریب دختران توسط پسران ایرانی با نیرنگ در ادامه درس آمده است. در پایان از قول نویسنده ایرانی چنین تحلیل می‌شود:

«دروغ در این مرز و بوم به طوری عادی شده که اعتقاد مردم از واقعیات عینی هم سلب گردیده و این ضعف اخلاقیات که به تضعیف شخصیت و بی‌اعتمادی اجتماعی منجر می‌شود، خطر بزرگی برای زندگی اجتماعی ما دربردارد.» (مازویی، میلوارد، ۱۹۷۳: ۱۳)

چانه‌زدن در خرید و فروش

هیچ‌کدام از مکالمه‌ها و متون خواندنی کتاب‌های آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان نیست که سخنی از خرید و فروش کالایی باشد و چانه‌زدن در آن به میان نیاید. متأسفانه در این کتاب‌ها چانه‌زدن را از خصلت‌های ایرانیان معرفی می‌کنند که نشانه بی‌صدافتی آن‌هاست و در تمام مکالمات، فروشنده ایرانی با دروغ جنس خود را بهتر و قیمتی‌تر از آنچه هست، معرفی می‌کند و در این راه، از قسم دروغ نیز ابایی ندارد. در ادامه، نمونه‌هایی از چانه‌زدن معرفی می‌شود.

۱. در مکالمه «بازار رفتن» صفحه ۱۰۵ بر سر خرید قالیچه (روزن، ۱۸۹۸)؛

۲. در مکالمه‌ای در صفحه ۱۵۵ بر سر خرید کتاب (بلیک، ۱۸۵۷)؛

۳. در مکالمه‌ای از صفحه ۱۰۴ بر سر خرید جواهر (تیسدل، ۱۹۵۹)؛

۵. در مکالمه «خرید» صفحه ۹۲ بر سر خرید پارچه (الول ساتن، ۱۹۴۱)؛

۶. در کتاب «فارسی شیرین است» یکی از درس‌ها با عنوان «آیا شما چانه می‌زنید؟» به همین ویژگی می‌پردازد. در این درس می‌خوانیم:

«آداب خرید و فروش در کشورهای مختلف متفاوت است. در ایران چانه‌زدن بسیار متداول است. چانه‌زدن یعنی خریدار سعی می‌کند از فروشنده تخفیف بگیرد. بعضی وقتها خریدار می‌تواند تا بیش از نصف مبلغ را تخفیف بگیرد در مغازه‌های کوچک معمولاً برچسب قیمت روی اجناس وجود ندارد و این مشکل‌ساز است البته برای بعضی‌ها تخفیف گرفتن، یک نوع تفریح است. شما باید برای تخفیف گرفتن، قدرت استدلال خوبی داشته باشید و به این آسانی میدان را خالی نکنید». (شعبانی جدیدی، بروکشاو، ۲۰۱۰: ۹۵)

تعارفات ایرانی

بسیاری از انگلیسی‌زبانان آشنا با فرهنگ ایرانی، تعارف را شناخته‌اند و گاه از آن ابراز شگفتی کرده و گاهی آن را یکسره نکوهش کرده‌اند و بر دروغ‌گویی گویندگان آن تأکید داشته‌اند. اصولاً تعارف با آشکال و جنبه‌ها و بروزهای گوناگونش، نوعی رفتار جمعی و فردی ایرانیان است. پیچیدگی‌های گوناگون الفاظ و تعابیر، اصرار و جدیت در وادار کردن مخاطب به انجام کاری، تکرار در سخن و بی‌معنا بودن برخی جمله‌ها و اصطلاحات، در معنای دقیق خود به کار نرفتن

الفاظ و احوال‌پرسی‌های پیچیده، تکراری و طولانی، از مواردی است که تعارف ایرانی در آن به خوبی خودنمایی می‌کند.

تعارف ایرانیان، در همه کتاب‌های آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان نمود یافته و دست‌کم در آموزش سلام و احوال‌پرسی همه کتاب‌ها وجود دارد. مثال‌های زیر از این گونه‌اند:

۱. در مکالمه «بازار رفتن» کتابی چنین آمده است:

«آقا قیمت این قالی چه چیز است؟ / تاجر: بنده چه عرض کنم. هر چه دلتان بخواهد به من مرحمت بفرمایید. پیشکش شماست؛ بپرید! / آقا: قیمت یک کلمه بگویید. فرصت گفت‌وگو زیاد ندارم. کار دارم». (روزن، ۱۳۹۸: ۱۰۵)

برخورد تند و غیردوستانه مرد انگلیسی‌نشان از دلزدگی نویسنده کتاب از این رفتار ایرانی‌ها دارد.

۲. در یکی از کتاب‌ها پیرامون احوال‌پرسی و مقدمه‌چینی ایرانیان چنین آمده است:

«عموماً احوال‌پرسی در فرهنگ ایرانی نسبت به فرهنگ انگلیسی پیچیده‌تر و طولانی‌تر است. در موقعیت‌هایی که برای یک انسان غربی جمله «سلام، حال شما چطور است؟ ممنونم» کافی است، ایرانی‌ها بارها و بارها یک عبارت ثابت را با تفاوت‌های اندک تکرار می‌کنند. مثلاً ممکن است در چند دقیقه، بارها از شما پرسیده شود که چطوری؟ حتی در موقعیت‌های کسب‌وکار باید انتظار داشته باشید که در مقایسه با فرهنگ انگلیسی، زمان بیشتری را برای آداب معاشرت صرف کنید». (وست، سارویان، ۱۳۹۶: ۱۱)

۳. در درس آخر کتاب «فارسی شیرین است» با عنوان «چرا آن‌قدر تعارف می‌کنید؟» مکالمه‌ای با مضمون تعارفات ایرانی وجود دارد:

رضا: سلام شهلا خانوم. رضام. / شهلا: به! آقا رضا! قربون شما! همین الان داشتم به شما و بابا فکر می‌کردم. / رضا: محبت دارین شما. آقای دکتر خوبین؟ با زحمتی ما چطورین؟ چقدر دیشب بهتون زحمت دادیم. / شهلا: اختیار دارین رضاجون. این حرفا چیه؟ چه زحمتی. لطف کردین تشریف آوردین. ما که از زیارت شما و آقای مهندس سیر نمی‌شیم. / رضا: شما محبت دارین. مهندس می‌خواس با آقای دکتر صحبت کنه. تشریف دارن؟ / شهلا: بله. گوشی دستتون. / رضا:

قربون شما. خدافظ». (شعبانی جدیدی، بروکشاو، ۲۰۱۰: ۱۷۱)

به هر حال تعارف جزئی از فرهنگ رفتاری ایرانیان است و بر همین اساس، در صحبت‌ها و گفتارهای روزمره نباید آن‌ها را حمل بر معنای ظاهری کرد و کافی است برای درک بهتر آن بگوییم تعارف برای ادای احترام نسبت به مخاطب به کار می‌رود». (دانشگر، ۱۳۸۱: ۷۱)

اهمیتی که ایرانیان به القاب و رعایت آن‌ها در خطاب کتبی و شفاهی می‌دهند نیز از نشانه‌های احترام اجتماعی به یکدیگر است. این ویژگی از چشم نویسندگان کتاب‌های آموزش فارسی به انگلیسی پنهان نمانده و رعایت آن را برای جلوگیری از سوء تفاهم، به مخاطبان خود توصیه کرده‌اند. در مکالمه «در بیان ترتیب مراسله» از کتاب تیس‌دال، یک ایرانی به یک نفر فرنگی روش نامه‌نگاری را می‌آموزد. در ابتدا ایرانی به فرنگی می‌گوید:

«اول همه چیز لازم است که القاب آن کسی را که به او کاغذ می‌نویسی، به خوبی دانسته باشید؛ والا او از شما می‌رنجد».

در ادامه مکالمه فرنگی به ایرانی می‌گوید:

«و نیز فهمیدم که نباید لفظ من را بنویسم؛ بلکه به جای آن بنده، دوستدار دعاگو مخلص فدوی، جان‌نثار به حسب مقام».

و پاسخ ایرانی چنین است:

«راست می‌گویید؛ اما در صورتی که بخواهید به طور ادب بنویسید، از برای خود باید ضمایر را به صیغه غایب نوشت...». (تیس‌دال، ۱۹۵۹: ۱۸۸)

بی‌نظمی، تنبلی و بی‌ارزشی وقت

بی‌نظمی در ارائه خدمات، تخلف وعده، وقت‌شناسی و هدر دادن زمان، در نتیجه تنبلی‌ای که از سوی ایرانیان به چشم می‌خورد، در بیشتر موارد انگلیسی‌زبانان را به گلایه واداشته و گاه به ستوه آورده است.

۱. در یکی از مکالمه‌ها با نام «در سفره»، مرد انگلیسی به ایرانی‌ای که شیخ حسن نام دارد، از تنبلی و بی‌نظمی نوکران ایرانی خود چنین شکایت می‌کند:

«آقا: برای هر کاری که به آن‌ها رجوع می‌کنم، یک عذری دارند. / شیخ حسن: این

طبیعتشان است. آدم تنبل، عوض یک کار، هزار عذر می‌آورد. اگر در ایران می‌خواهید بمانید، باید خیلی صبر و حوصله داشته باشید». (روزن، ۱۸۹۸: ۱۱۹)

۲. باز هم در کتاب تیس‌دال مکالمه‌ای وجود دارد که نویسنده به عمد، بی‌نظمی ایرانیان و نظم اروپاییان را گوشزد می‌کند:

«رئیس دفترخانه: امروز قدری دیر تشریف آورده‌اید. مدتی است منتظر شما می‌باشم. وعده کردید که صبح زود قبل از ساعت ۵ تشریف بیاورید و الان نزدیک است به ساعت ۷ / میرزا: ببخشید؛ گرفتاری داشتم که مانع شرف‌یابی شد. اما حالا هم صبح زود است؛ زیرا هنوز دو ساعت از روز بر نیامده است. / رئیس دفترخانه: بلی؛ اما می‌دانید که ما فرنگیان اوقات خود را به نوعی تقسیم می‌کنیم که برای هر ساعت کار مخصوص داریم. پس اگر هر چیز در وقت معین کرده نشود، تماماً از دست می‌رود؛ زیرا بعد برای آن هیچ فرصت نداریم». (تیس‌دال، ۱۹۵۹: ۱۷۵)

۳. درس آخر یکی از کتاب‌ها تماماً به بی‌نظمی ایرانیان اختصاص یافته است. متن درس، برگرفته از یک گفت‌وگوی تلفنی از روزنامه کیهان است که «ان‌شاءالله درست خواهد شد» نام دارد و از بی‌نظمی و بی‌برنامگی ایرانیان به شدت انتقاد شده است. در این گفت‌وگو سخن از پروژه‌های نیمه‌تمام دولت در شهر یزد است و این که مدت‌های طولانی است که اجرای پروژه‌ها به تأخیر افتاده است. در پایان مکالمه، چون فرد پاسخگو جوابی منطقی برای پرسش‌های معترض ندارد، گفت‌وگو را چنین به پایان می‌برد: «ان‌شاءالله درست خواهد شد». (مازویی، میلوارد، ۱۹۷۳: ۹۸)

۴. در بخش آشنایی با فرهنگ یکی از کتاب‌ها، این ویژگی ایرانیان چنین معرفی شده است: «ایرانی‌ها نسبت به غربی‌ها برای تعیین زمان، دقت کمتری دارند. اگر شما وقت را از یک ایرانی پرسید، ممکن است بگوید ۷:۳۰؛ درحالی که واقعاً ۷:۴۰ بوده است. اگر گمان می‌کنید زمان دقیق را به شما نگفته‌اند، می‌توانید از کلمه «درست» به معنای دقیقاً استفاده کنید. آیا درست (دقیقاً) ۷:۳۰ است؟ ایرانی‌ها همچنین نسبت به غربی‌ها وقت‌شناسی کمتری دارند. حتی یک قرار ملاقات کاری ممکن است سر موقع شروع نشود. اگر شما با مدیری در اداره‌ای قرار ملاقات دارید، باید انتظار این را داشته باشید که ملاقات سر وقت انجام نشود و حتماً همراه خود

کتابی برای مطالعه و سرگرمی ببرید». (وست، سارویان، ۱۹۷۶: ۲۴)

رشوه

رشوه‌دادن و گرفتن، ویژگی ناپسند دیگری است که متأسفانه به عنوان یک خلیقات ایرانیان به کتاب‌های آموزش فارسی به انگلیسی‌زبان‌ها راه یافته است.

۱. در کتاب گلاوین در مکالمه «در سیر دریا» انگلیسی‌ها مشکل دزدان دریایی در ایران را مشکلی حل‌نشده می‌دانند؛ زیرا اطرافیان قاضی با رشوه‌ای که می‌گیرند، راه را بر دستگیری این دزدان بسته‌اند:

«حاکم در سراغ گرفتن دزدان است؛ اما عمله بسیار رشوت خوراند. / از اعمال عمله، حاکم خبر ندارد؛ والا سزای آن‌ها به واقعی بدهد. / بیچاره فریادی! چه مقدور دارد که دشمنی تمام عمله حاکم بکند. / پس به این صورت دزد هرگز پیدا نخواهد شد و مال رعیت همیشه تلف خواهد شد». (گلاوین، ۱۸۰۰: ۱۵)

۲. در کتاب تیسدا، مسافر انگلیسی که قصد ترخیص سریع کالای خود را دارد و این قضیه را با رئیس گمرک مطرح می‌کند، از او چنین پاسخ می‌شنود:

«مشکل است صاحب؛ زیرا ما امروز کار داریم. / خب، اما اگر لطف فرموده، این انعام را میان گماشته‌های خود تقسیم کنید، شاید می‌توانید به زودی هر چیز را درست کنید. / ممنون سرکار هستیم. البته ممکن است. شکی ندارم که هر چیز درست است». (تیسدا، ۱۹۵۹: ۱۶۹)

البته نکته‌های منفی فرهنگی ایرانیان در این کتاب‌های آموزشی، به همین جا ختم نمی‌شود. چاپلوسی، کارشکنی، خیانت در امانت، غریب‌زدگی، خرافات و مردسالاری، از دیگر صفاتی است که در این کتاب‌ها به ایرانیان منسوب است. در این مقاله به دلیل مجال اندک، تنها موارد پربسامد گفته شد. باید یادآوری کرد که هدف این مقاله، اثبات درستی یا نادرستی این ویژگی‌های فرهنگی ناپسند در مورد ایرانیان نیست؛ بلکه هدف، نقد آوردن این نکات منفی فرهنگی در کتاب‌هایی است که هدفشان آموزش یک زبان برای نزدیکی دو ملت غیر هم‌زبان است.

جمع‌بندی

در روند آموزش زبان خارجی باید دقت کرد که واکنش فرهنگی، تحسین فرهنگ بیگانه و تحقیر فرهنگ خودی بر ضمیر ناخودآگاه زبان‌آموزان چیره نشود؛ برعکس باید از روند تحسین فرهنگ خودی و تحقیر بی‌چون و چرای فرهنگ بیگانه در ذهن ایشان جلوگیری کرد و آن‌ها را به سوی درک متقابل و افزایش ارتباط سازنده و رفع موانع فرهنگی سوق داد. در ارتباطات فرهنگی، غالباً سرما به سنگ دیوارهای نامرئی می‌خورد. این دیوارهای نامرئی پیش از این بسیاری از روابط انسانی را برهم زده‌اند و این روابط در عصر ما چنان اهمیت دارد که لازم است به آن توجه جدی شود.

به هر روی با توجه و به‌کارگیری «مهارت بین‌فرهنگی» در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان می‌توان توانایی و درک زبان‌آموزان فارسی را از تفاوت‌های میان فرهنگ خودی و فرهنگ ایرانی بالا برد و با شناخت این تفاوت‌ها در موقعیت‌های خاص، برای تدوین کتاب‌های آموزشی بهتر راهبردهایی بر اساس هر دو مورد خاص تعریف کرد. موضوع این نیست که انتظار داشته باشیم تنها از خُلقیات پسندیده ایرانی سخن گفته شود؛ بلکه یک کتاب آموزشی باید توانایی برطرف کردن سوء تفاهم‌های برآمده از برخورد فرهنگ‌ها را به زبان‌آموز ارائه دهد و ناهمواری‌های رفتاری را هموار کند و ارتباط را بدون حساسیت فرهنگی بهبود بخشد؛ نه این‌که با تکرار و تأکید بر جنبه منفی ملی و بیان دیدگاه‌ها و تجربیات شخصی و یک‌سویه فرهنگی، فرهنگ ملی خود را برتر جلوه دهد.

پس در گام اول برای درک متقابل فرهنگی، محتوای کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان باید از هرگونه قضاوت ارزشی بین فرهنگ ایرانی و فرهنگ زبان‌آموزان تهی باشد و با شرح تفاوت‌های فرهنگی، برای حفظ انگیزه یادگیری ایشان، از غافل‌گیری زبان‌آموزان هنگام پدیدآمدن سوء تفاهم‌های فرهنگی جلوگیری کنند.

پی‌نوشت

1. Persicae Elegantiam Exoscular.
2. Levinus Warner.
3. The Persian moonshee.

منابع

۱. بروکشاو، دومینیک (۱۳۸۱)، تاریخ مطالعات فارسی در آکسفورد: از ۶۳۶ م تا امروز، احمدرضا قائم‌مقامی (مترجم)، نامه پارسی، ش ۴، ص ۲۷-۴۲.
۲. تاج‌آبادی، فرزانه و آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۰)، آموزش زبان‌های خارجی در پرتو چالش‌های تدریس فرهنگ، پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ش ۱، ص ۳۷-۵۵.
۳. تلطف، کامران (۱۳۸۲)، ایران‌شناسی در امریکا: گذشته‌ای محدود ولی پربار، آینده‌ای ناروشن، و راهکارهای نوین، نامه پارسی، ش ۳۰، ص ۶۱-۷۸.
۴. چاکلوفسکی، پیتر (۱۳۸۱)، موقعیت زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های آمریکا، آموزش زبان فارسی: مشکلات و راهکارها، ص ۲۷-۳۴.
۵. حاجی‌رستم‌لو، قدرت (۱۳۸۶)، جایگاه فرهنگ از آموزش زبان‌های خارجی، مصباح، ش ۷۲، ۱۳۹-۱۵۴.
۶. دانشگر، محمد (۱۳۸۱)، تعارف و فرهنگ آن نزد ایرانیان، نامه پارسی، ش ۲۵، ص ۵۷-۷۲.
۷. داوری اردکانی، نگار و دیگران (۱۳۹۲)، آموزش زبان فارسی، فرصتی مغتنم برای گسترش فرهنگ ایرانی، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۵۳، ص ۱۴۳-۱۶۰.
۸. رستم‌بیک تفرشی، آتوسا و رمضانی واسوکائی، احمد (۱۳۹۱)، نقش فرهنگ در آموزش زبان خارجی، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ش ۲۴، ص ۱۷.
۹. سیاوشی، سارا (۱۳۹۰)، اهمیت و چگونگی آموزش نکات فرهنگی در کلاس آموزش زبان فارسی، نخستین همایش بین‌المللی گسترش زبان و ادبیات فارسی، چشم‌انداز، راهکارها و موانع، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.
۱۰. شعیری، حمیدرضا و بخشایی، نیلوفر (۱۳۸۹)، مطالعه رابطه شناخت و فرهنگ و سیر تحول آن‌ها در متدهای آموزش زبان فرانسه، پژوهش ادبیات معاصر جهان، ش ۵۷، ص ۷۳-۸۴.
۱۱. طالقانی، محمدعلی (۱۳۷۸)، سرآغاز کوشش‌های خاورشناسی در انگلستان و بررسی نخستین کوشش‌های خاورشناسان انگلیسی در زبان و ادب فارسی، ایران‌شناسی، ش ۴۳، ص ۵۹۴-۶۱۵.
۱۲. فیروزآبادی، سیدسعید و امیری، آیتا (۱۳۸۹)، فرهنگ، زبان و آموزش، برگ فرهنگ، ش ۲۱، ص ۱۰۳-۱۱۱.
۱۳. کیوانی، مجدالدین (۱۳۷۲)، فرهنگ در آینه زبان، زبان و ادبیات فارسی، ش ۱، ۱۵-۲۹.

۱۴. ضیاءحسینی، سید محمد (۱۳۸۵)، اصول و نظریه‌های آموزشی زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، تهران، سخن.

۱۵. میردهقان، مهین‌ناز و طاهرلو، فرنوش (۱۳۹۰)، تاثیر فرهنگ ایرانی در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، ادبیات فارسی معاصر، ش ۲، ص ۱۱۵ - ۱۳۲.

1. Bleeck, A H. (1857). *A Concise Grammar of the Persian language containing dialogues, reading lessons and a vocabulary*. London: Bernard Quaritch.
2. Clair, W. (1959). *Modern Persian Conversation Grammar*. New York: Frederick Ungar Publishing Co.
3. Elwell, L P. (1941). *Colloquial Persian*. London: Routledge & Kegan Paul LTD.
4. Gladwin F. (1801). *The Persian Moonshee*. London: The oriental Press.
5. Jones, W. (1771). *A Grammar of the Persian Language*. London.
6. Lambton, A K. (1953). *Persian Grammar*. Cambridge: University Press.
7. Meerza M I. (1841). *A Grammar of the Persian Language*. London: W .H .Allen.
8. Miandji, M. (1994). *Beginner's Persian Guid*. Cambridge: Cambridge University Press. 287p.
9. Millward, W G. Mazzaoui M M. (1973). *Social and Cultural Selections from Contemporary Persian*. New York: Caravan Books.
10. Mirza, M S. (1823). *A Grammar of the three Principal Oriental Languages, Hindoostanee, Persian, Arabic*. London.
11. Rafiee, A. (2001). *Colloquial Persian the Complete Course for Beginners*. London: Routledge Curzon.
12. Rosen, F. (1898). *Modern Persian Colloquial Grammar*. London: Luzac.
13. Shabani Jadidi, P. Brookshaw, D P. (2010). *The Routledge Introductory Persian Course: Farsi Shirin Ast*. London: Routledge.
14. West, D W. Saroyan, A. (1976). *Persian for Foreigners in Iran introductory course*. New York: Telemedia Inc.